



A T I Y E H N O

شناسنامه
P R O F I L E

• صاحب امتیاز:
موسسه فرهنگی هنری آهنگ آتیه
(تحت پوشش سازمان تامین اجتماعی)
• مدیر مسئول و رئیس شورای سیاست گذاری:
ابراهیم رستمیان مقدم
• سردبیر: رضا جمیلی
• معاون سردبیر: میترا فردوسی
• مدیر هنری: سیدعلی رضا میرزامطفی
• صفحه آرایی: کاوه رحیمی
• ویرایش عکس: شبنم رضوانی
• ویرایش متن: مریم مهداد
• تحریریه: مسعود شاه حسینی، نسرين ظهیری
مجتبی کاوه، مسعود خدایچی، امین جلالوند
لی لی اسلامی، مسعود مشایخی، امین جلالوند
حمیدرضا عبدالوند، فاطمه علی اصغر، مهدی شادمائی
عاطفه شمس، عماد عزتی، عبدالله مقدمی
احسان رحیمزاده، مهرآذین بشیری، راد، مریم طالبی و...
• با تشکر از: بیژن رضمانی، ابراهیم باقری
صولت فروتن
• نشانی: خیابان احمد قصیر، خیابان دوازدهم
شماره ۲۲، طبقه پنجم
• تلفن تحریریه: ۸۵۰۶-۸۸۵۱۷۰
www.Atiyehnoweekly.ir
• چاپ: هنر سرزمین سبز
• آگهی و اشتراک: ۰۹۱-۸۸۵۱۷۰
• ناظر چاپ: علی توتونی

زیر پوست شهر
N A R R A T I V E



نسرين ظهيري

روزنامه نگار

چشم و دل سیر

پنجاه میلیون را پَس داد. گفت: «بفرمایید این کیف و اینم پولتون. همه نشانی هاتون درسته. آگه یکی رو هم اشتباه می گفتید امکان نداشت به همین سادگی پول رو پس بگیرید. از این به بعد حواستون رو بیشتر جمع کنید، آدم با به کیف که پنجاه میلیون داخلش هست، نمیره تو خیابون.» آقای پلیس که کیف را پیدا کرده بود مرد تازه ای بود. چشم های صاف و نگاه پریده رنگی داشت. دلم می خواست بیشتر، نگاهش کنم. شرمگینی مرد، اما نمی گذاشت. یک رهاشدگی غریب و یک «آن» کوچک خوشبخت، گشردش می چرخید. رضایت مرغوبی توی دست هایش نشست به بود. مرد مژگانی نگرفت و با خنده ای که معنی به خصوصی داشت، دستش را به علامت هرگز، توی هوا تکان داد. «دوست و همکار آقای پلیس خوب، سربه سرش گذاشت: «یعنی پنجاه میلیون پیدا کردی و یک روز تمام، وقت گذاشتی صاحبش را پیدا کنی، ای خاک...» دوست ها با هم خندیدند. آقای دوست پلیس گفت: «کلی گرفتاری داره تو زندگیش. یه آدم بدشانسیه که نگو، چند بار تو خیابون تصادف کرده، یه بار هم خودش پول گم کرده. پکش گرو دواشه.»

پلیس خوب باز هم دستش را به علامت پَس کن، آورد بالا: «این حرف ها چه ربطی به این بنده خداها داره. پولشونه، بهشون پس دادم. مشکل زندگی من به خودم مربوطه. بیا بریم ناهار، زن عدس پلو درست کرده با کشمش فراوون. گفتم به خاطر تو زیره هم بریزه... شما هم برید به سلامت. پولتون حلاله، برگشت.»

مرد را دوباره مرور می کنم. می خواهم یادم بماند که توی این شهر گرم و خسته و در شهری که بدنامی اش در رفته و میان آدم هایی که مدام به فساد و تباهی میتهم می شوند. توی خیابان هایی که گاهی ترسناک به نظر می رسند، هنوز هم آدم هایی هستند که چشم و دل سیرند. آدم هایی که هنوز هم آبروی بر باد رفته را می خرند.

۱۶

پاتوق

جایی برای حرف های خودمانی

سلبریتی بازی ممنوع!

سرعت گیر
NARRATIVE

۵۶



عبدالله مقدمی

روزنامه نگار

این هفته سراغ مسائل بودار نمی رویم. می خواهیم پای ستون پنشینیم و یک دل سیر خاله زک بازی در بیاوریم و غیبت کنیم. ظاهراً خودنمایی ها در شبکه های اجتماعی دارد به نقطه های خطرناکی می رسد. آخرین نقطه از این خفن کاری ها، خنجر و کلت کشی یکی از بزرگان و پیشکسوتان این عرصه در برابر دوربین بود.

به حلق دوربین تاناف بودی
پیای روز و شب غلاف بودی
بگو کی زندگی کردی شما که
تمام عمر در شو آف بودی
بله این «شو آف» درواقع همان

«شو عاف» است که «بعضی» آدم ها در آن و «تمام» سلبریتی ها در اتهام آن زندگی می کنند. (آخ فکر کنم جمله سنگین شده! الان کمر ستون می شکند!) به هر حال، این بزرگمرد عرصه نمایش اگرچه در بازگویی توانست موفقیت چندانی کسب نکند، اما در زمینه خودنمایی همیشه چیزهایی زیادی برای غافلگیر کردن مان داشته است. اما خب همیشه که قرار نیست ما غافلگیر بشویم، بعضی وقت ها هم ممکن است برعکس شود.

می گویند هواپیمایی در حال سقوط بود و مسافرها برای سبک شدن هواپیما، بنده خدایی را ششیر یا یک

حیوان زحمتکش باربر کرده بودند تا ببرد. طرف لحظه پریدن وصیت کرد و گفت: «برید به نم بگید لاف آخر کار دستم داد.»

حالا ظاهراً شو «اف» آخر کار دست این بیچاره داده و از همان پشت فرمان ماشین، مستقیم افتاده وسط بند چهار اوین.

گشت ضایع کل استعداد حیف
رفت از کف هر چه شد ایجاد حیف
کار دست این و آن می داد و
کار آخر کار دستم داد حیف

البته همان طور که گفتیم تعداد زیادی آدم مشهور هم هستند که طفلکی ها هر حر کنی می کنند، عده ای کارشناس

مسائل به صفحه اجتماعی شان می ریزند و یک صدا و متحد داد می زنند: «سلبریتی! حیا کن. این شو عاف رو رها کن!» حالا آن طفلک هر چه بگوید: «آخر تعمیر هواکش مستراح خانه چه نمایشی دارد که بقمه مرا گرفته اید؟» مگر به خرج کسی می رود؟ همه شان دوباره دم می گیرند: «هواکش بی عدالت/ خجالت! خجالت!» یا «خانه بامستراح/ افتضاح! افتضاح!» خلاصه که در نظر عده ای هر کار آدم مشهور نوعی خودنمایی است حتی اگر واقعاً کاری درست انجام بدهد. این جماعت به صورتی مستمر در صفحات آدم های مشهور در رفت و آمدند و مدام متاسفاند.



• یکشنبه ۹ تیر ۹۸ • شماره ۲۰۷

ساختمان نیمه کاره
N A R R A T I V E



مسعود مشایخی

جوشکار و دانش آموز
جامعه شناسی



استاد کاری از سلماس

هیچ وقت این موقع سال، یعنی وسط تابستان اینجا پیدایش نمی شد. فکر نمی کردم در گرمای ۵۰ درجه جیرفت طاقت کار کردن داشته باشد. دو، سه روز است که دوباره سروصدایش توی ساختمان می پیچد. مثل همیشه پُرانرژی و با حرارت کار می کند. بهمن آذری زبان است. از سلماس آمده. هر سال زمستان برای کار نزدیک به دوهزار کیلومتر راه را می کوبد و به اینجا می آید. خیلی خوب توانسته خودش را با فرهنگ و خلق و خوی مردم شهر ما وفق دهد. برای خودش اعتباری دارد و همه، دوستش دارند. به خصوص حرف زدنش را وقتی که لهجه آذری اش را با گویش جیرفتی ها به هم می آمیزد؛ یک آوای شیرین و دلچسب را به وجود می آورد. به نظر من بیشتر محبوبیتش به خاطر همین گویش شیرینش است. چند سال قبل، روزهای ابتدایی آمدنش خیلی کوچک بود، همراه برادر بزرگ ترش آمده بود. آن روز حافظ ملات درست می کرد و به دست برادرش که اوستا بود، می رساند. اما کم کم خودش هم دست به مالِه شد و برای خودش مستقل کار کرد. این چند سال، دیگر از برادرش خبری نیست و خودش تنها می آید. زمستان که هوای شهرستان سرد می شود، به اینجا می آید، چند ماهی کار می کند و با آمدن تابستان، دوباره به شهرستان بازمی گردد. اما امسال تابستان اینجا مانده و مشغول کار است.

از روی داربست پایین آمد، لباس هایش خیس عرق بود. چهره همیشه سرخش، برافروخته و سرخ. معلوم بود که گرمای حساسی آذیتش کرده. آمد کنارم نشست. گفتم چمن، چه شده که این موقع سال در گرمای شدید، اینجا مانده ای و به شهر خوش آب و هوای خود نرفته ای؟ گفت که این کارم نیمه تمام مانده بود. نتوانستم به موقع تحویلش دهم، مجبور شدم بمانم و کار را تمام کنم. آن ها که همیشه همراهش بودند، نتوانستند تابستان گرم اینجا را تحمل کنند. عصبانی بود و از زمین و زمان گله داشت. از کارفرمایی که به موقع مصالحشان را تامین نکرده، از شاگردها که دو خنک شده، دوباره شد همان بهمین شوخ و خندان همیشگی. حتی با همان لهجه قشنگش، دعوا و درگیری دو نفر از بچه ها را به آشتی تبدیل کرد. ناراحتی اش بیشتر به خاطر دوری از همسر و دو فرزندش است. اما به روی خودش نمی آورد. امیدوارم بهمین های کشورمان زیاد شوند. آدم های باغیرت و اهل کار و تلاش که این همه سختی را به جان می خرد تا خانواده هایشان در رفاه و کشورشان آباد باشد.



نان جلوگیری کنه تادوره ترامپ سر برسه. طبیعی که تندروهای دوطرف می خوان اجازه ندن در زمین اون ها بازی کنیم.» «محمد نوری»، روزنامه نگار هم در تویتر نظرش درباره اینستکس را به این شرح توضیح داد: «ساعتی بعد از آغاز به کار سامانه #اینستکس محافل ضد #برجام در داخل کشور عملیات تبلیغی خود را برای ناکام گذاشتن این مرحله از همکاری ایران و غرب آغاز کردند. کانال های اصلی جریان اصولگرا حرکت اروپایی ها در این باره را بهیچ وجه جلوده داده و آن را با طرح نفت در برابر غذای عراق مقایسه کردند.» کاربر دیگری به نام «بهشتی پور» هم در این باره چنین نظری در تویتر نوشت: «اینستکس درواقع یک آباریکه ای است برای آنکه جریان اقتصاد ایران به سمت اروپا قطع نباشد. فعلاً محدود به دارو و غذاست، اما اصل این ماجرا نوعی مقاومت در برابر هژمونی مالی آمریکاست بنابر این نباید آن را رد کرد.»

عجله کرد! همین که ترامپ در انزوای خروج از برجام بماند و نتواند علیه ما اجماع ایجاد کند، فعلاً کافی است. «همچنین کاربری به نام «مینا» با اشاره به تاثیر گذاری خبر راه اندازی اینستکس بر قیمت ارز، در این باره نوشت: «مقاومت قیمتی دلار شکست. هر چه کانال های مالی فعال تر شوند فشار بر بازار آزاد ارز کمتر می شود.» «صادق زیباکلام» هم در توییتی نظر خود را این طور بیان کرد: «دیروز با مذاکرات هسته ای مخالفت می کردند. بعد با برجام، هر تیغ و تیشه ای که داشتند بر سر راه آن ریختند تا نهایتاً ترامپ کار را تمام کرد. بعد نوبت مخالفت با FATF رسید و حالا هم علیه اینستکس تیغ از نیام بر کشیده اند. اصلاً هر حرکتی که در جهت تنش زدایی با غرب باشد یکسره محکوم است.»

«حسین درخشان» از کاربران تویتر هم چنین نظری درباره اینستکس داشت: «روحانی می خواد با اینستکس، هم برجام رو نگه داره و هم از جنگ واز شورش داخلی برای

دسته بندی های چالش برانگیز و نه مصداق های آن ها هیچ کدام مطلق نیستند و اگر دقیق تر شویم، موارد پر شمار دیگری را نیز می توان به آن ها اضافه کرد. با وجود این، به نظر می رسد برای تامین اجتماعی چالش های حکمرانی پر رنگ تر است و تا زمانی که ما نتوانیم بر مشکلات نظارتی، تعارض منافع و مسائل حقوقی در تامین اجتماعی فائق شویم، تضمینی وجود ندارد که مسائل و معضلات دیگر تامین اجتماعی به شکل مطلوب حل شوند. یعنی چنین انداز بازگشت تامین اجتماعی به مدار درست و امیدوار کننده وابسته به حل چالش حکمرانی است. در چنین شرایطی پرسش ابتدایی مان مشخص می شود: مدیر عامل جدید سازمان تامین اجتماعی ماموریت های متعددی دارد، و مطرح کرد در این شرایط رفع مشکلات و چالش ها در حوزه های اقتصادی مالی و نقدینگی به خصوص تعیین تکلیف بدهی های دولت از جمله انتظارات منطقی است که امیدواریم با تعاملات و ارتباطات گسترده ای که از آن یاد شده است، در همین راستا گام هایی مثبت برداشته شود.

چالش های دسته بندی بیمه ای است. این یک حقیقت است که در برخی حوزه های تامین اجتماعی، قوانینی به تصویب رسیده که به شدت سخاوتمندانه هستند که ماحصل آن بروز چالش های بیمه ای و ناتوانی در کنترل و مدیریت هزینه ها و نهایتاً وقوع ناپایداری درآمدی است. دسته سوم، چالش ها و به تبع آن، اولویت های مدیریت جدید تامین اجتماعی و مباحث حکمرانی است. صندوق هایی مانند سازمان تامین اجتماعی نقش امانی دارند و بدین معناست که باید نظارت درست و اصولی روی اندوخته ها صورت گیرد. چه بپذیریم و چه نپذیریم در سازمان تامین اجتماعی متأسفانه ساختار حکمرانی فعلی به گونه ای نیست که نقش امانی را تضمین کند. نظارت ها ضعیف و کم اثر ند و در بسیاری از مواقع تعارض منافع نمایان است. برای نمونه برخی از اعضای دولت در هیئت امنای تامین اجتماعی حضور دارند و ممکن است به دلیل عدم تناسب میان تعداد نمایندگان شرکای اجتماعی سازمان با نمایندگان نهاد دولت، در یافت مطالبات از نهاد دولت با مشکل روبه رو شود. به گمان نگارنده، این دسته از چالش ها، مشکلات و گرفتاری های مالی و بیمه ای به مراتب در اولویت رسیدگی بالاتری قرار می گیرد. بر معضلات و چالش های می توان دسته چهارمی هم اضافه کرد که معطوف به مسائل اجتماعی نظیر فقر و محرومیت و نابرابری است. بدیهی است نه این

از یک سو و برخی مسائل مدیریتی در شرکت هاست که بعضاً منجر به تصمیم هایی خارج از کنترل و اثر گذار بر راهبردها و عملکردها می شود. ما می دانیم این شرکت ها حاصل سپرده گذاری اندوخته گذاران است و سازمان تامین اجتماعی نیز وظیفه ای امانی در قبال آن ها دارد، بنابراین این سه دسته از عوامل که بسیار هم پر رنگ و مهم هستند، در زمره اولین دسته از چالش هایی هستند که تامین اجتماعی با آن روبه رو است. دسته دوم چالش ها، موضوعات و مشکلات بیمه ای است. همه می دانیم که ترکیب جمعیتی کشور به سمت سالمندی در حرکت است و زمانی هم که جمعیت سالمند شود، موازنه نسلی و چرخه درآمد و هزینه تامین اجتماعی نیز دستخوش تغییر می شود. نکته مهم اینکه سرعت روند سالمندی در تامین اجتماعی بیشتر از روند سالمندی در کل کشور است. یعنی در شرایطی که جمعیت کشور هنوز جوان است، ترکیب جمعیتی بیمه شدگان تامین اجتماعی نشان از پیری دارد و از آن مهم تر هم اثری است که بر تعادل منابع و مصارف تامین اجتماعی می گذارد. در چنین شرایطی نیازمند اجرای یکسری بسته های اصلاحی مانند اصلاحات پارامتریک هستیم. سخاوتمندی قوانین و مقررات نیز یکی دیگر از

مسئله حکمرانی خوب...

ادامه از صفحه ۲

یادداشت

... که سازمان تامین اجتماعی به شدت با آن ها درگیر است. مسئله مهم دیگر در دسته چالش های اقتصادی تامین اجتماعی، بازده سرمایه گذاری هاست که بنا به آمارها عملکرد موفق و رضایت بخشی نداشته و به همین دلیل درآمدهایی که از این محل به تامین اجتماعی رسیده، عملاً به اندازه ای نبوده که بشود در مواقع حساس و بحرانی روی آن ها حساب باز کرد. صندوق های بیمه ای درآمدهای خود را عموماً از حق بیمه ها و سرمایه گذاری ها تامین می کنند. نکته اینکه سرمایه گذاری ها با این هدف صورت می گیرد که در زمان بلوغ و کفایت نداشتن درآمدهای حاصل از حق بیمه، از این طریق به صندوق کمک شود تا از پس تعهدات خود برآیند. در تامین اجتماعی با وجود ظرفیت های عظیم شستا و شرکت ها و بنگاه های پر شمار اقتصادی، چنین امکانی تا سالهای اخیر متأسفانه ایجاد نشده و عملاً درآمدهایی که نصیب تامین اجتماعی شده به اندازه ای نبوده که بتوان کسری نقدینگی را با آن پوشش داد و رفع کرد. به نظر می رسد اصلی ترین دلیل، شرایط دشوار حاکم بر اقتصاد ایران